

# ضرورت «فلسفه و کودک» در ترازوی اندیشه اسلامی

## با تأکید بر ظرفیتهای موجود در فرهنگ اسلامی

ایمان دیندار اصفهانی<sup>۱</sup>؛ مهدی منصوری<sup>۲</sup>

تصمیمگیری آراسته شده و برهمن اساس، مسئولیت انتخاب و عملش نیز به خود وی واگذار شده است. بهمین دلیل توسعه تواناییهای فکری، به موضوعی بحث برانگیز در چند سال اخیر تبدیل شده است. چنین علاقه‌یی در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد. متأسفانه مدارس امروز، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات (حافظه) و حقایق علمی معطوف کرده و از تربیت انسانهای متفکر فاصله گرفته‌اند. کودکان امروز توسط رادیو و تلویزیون، اینترنت و موبایل و... تحت تأثیر مسائل بزرگترها قرار میگیرند و آنها نیز مانند بزرگسالان دنیا را آمیخته‌یی از امکانات گوناگون و راه‌حلهای دیگر می‌یابند. بنابراین لازم است یاد بگیرند که چگونه برای خود قضاوت اخلاقی قابل قبولی داشته باشند. این در حالی است که انسانها بعنوان مخلوقاتی ضعیف در محیطی ناسازگار، نیاز به پرورش قابلیت‌های شناختی خود دارند تا بقای خویش را تضمین نمایند.

آموزش «فلسفه و کودک» موقعیتی فراهم میکند تا کودکان پرسشهای خود پیرامون مفهومیها را بپرسند و آنها را مورد بررسی قرار دهند، تفکر خود را بهبود بخشند، از ایده‌های دیگران و فلسفه سنتی درس بگیرند و با توجه به آن، خود، جامعه و جهان را بهتر بشناسند و قضاوت کنند و زندگی هدفمندی داشته باشند.

بطور معمول، روش شروع بحث در برنامه «فلسفه و کودک»، به این صورت است که مربی یک داستان را انتخاب کرده و در چند بخش آن را میخواند یا اینکه هر دانش‌آموزی، یک جمله از اولین بند داستان مورد نظر را با صدای بلند میخواند و بقیه بچه‌ها آن را تکرار میکنند و با پایان یافتن هر بند، مربی با استفاده از کلمات، مفاهیم، عبارات و جملات کلیدی، بحث‌های مختلفی را شکل میدهد و بچه‌ها را به بیان و تبادل اطلاعات و عقاید خود، مستدل کردن گفته‌هایشان و قضاوت در مورد نظر یکدیگر

### چکیده

برنامه «فلسفه و کودک» یکی از روشهای نوینی است که امروزه در حوزه آموزش مورد استقبال و استفاده جوامع مختلف قرار گرفته است. هدف از این برنامه شکوفای نمودن تفکر انتقادی و خلاق کودکان است؛ هدفی که مورد تأکید دین مبین اسلام نیز هست. بر اساس مبانی و اصول تربیت اسلامی و از منظر متون دینی، تربیت فکری باید از سن کودکی آغاز شود، یعنی دقیقاً همان هدف برنامه «فلسفه و کودک». این برنامه که اکنون مطرح است، از فرهنگ و اندیشه جامعه غربی رنگ پذیرفته است و بعنوان نمونه میتوان رد پای اندیشه پراگماتیسمی، کثرت‌گرایی و... را در آن مشاهده نمود. با توجه به این ریشه‌های فکری از یکسو، و وجود ظرفیتهای فراوان در حوزه‌ها، مبانی، اصول، روش، محتوا و... در فرهنگ ایرانی - اسلامی، از دیگر سو، شایسته و بایسته است برنامه «فلسفه و کودک» متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی بومی‌سازی شود.

### کلیدواژگان

فلسفه و کودک، فرهنگ ایرانی اسلامی، تربیت فکری، تربیت اسلامی.

### مقدمه

یکی از ویژگیهای منحصر بفرد انسان در میان تمامی موجودات، برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است. انسان به قدرت تفکر و نیروی اراده و

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۳ تاریخ تأیید: ۹۹/۳/۳

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ iman1404@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری و مدرس فلسفه حوزه علمیه قم؛ mahdimansoori90@yahoo.com

ترغیب میکند. به این ترتیب بتدریج خود دانش‌آموزان سؤالات و پیشنهادهایی برای شروع بحث مطرح میکنند و در خلال گفتگوها، بمنظور رفع خستگی و ایجاد تنوع در کار، به اجرای تمرینهای عملی مرتبط با موضوع بحث میپردازند.

بطور کلی هدف از برنامه «فلسفه و کودک» تربیت فکری کودکان و به اصطلاح تقویت تفکر انتقادی و خلاق است. در قرن بیستم میلادی یکی از فلاسفه در مواجهه با دانشجویان متوجه خللی بزرگ در نظام آموزشی دانش‌آموزان شد و ریشه آن را در دوران کودکی دانست. او برای رفع این مشکل، شروع به تدوین روش و محتوای «فلسفه و کودک» کرد. او مؤسسه‌یی را برای این منظور تأسیس کرد و کتبی را هم در این زمینه نگاشت و در دوران حیاتش این برنامه را توسعه بخشید و نتایج قابل قبولی هم بدست آورد. بعد از وی دیگران نیز ادامه‌دهنده راه او بودند و تلاشهای زیادی در راستای ارتقا و توسعه این برنامه تاکنون انجام داده‌اند. امروزه در کشورهای مختلف<sup>(۱)</sup> این برنامه با نام «p4c» (Philosophy for Children) و در ایران با نام «فلسفه و کودک» شناخته میشود.

در این نوشتار درصددیم تا جایگاه این روش آموزشی نوین (فلسفه و کودک) را در ترازوی اندیشه اسلامی، مورد بررسی و سنجش قرار دهیم.

درباره اینکه نظریه اسلام در مورد تفکر و اندیشه‌ورزی چیست، میتوان سه فرض را مطرح کرد:

۱) اسلام مخالف اندیشه‌ورزی است. چنین فرضی بصراحت با آیات و روایات متعدد در قرآن و دیگر منابع اسلامی باطل میشود.

۲) اسلام سازگار و موافق اندیشه‌ورزی است: بنا بر این فرضیه، هرچند اسلام مخالف اندیشه‌ورزی نیست اما توصیه‌گر آن هم نیست و نسبت به آن بیتفاوت است. این فرض نیز مخالف شواهد موجود در منابع اسلامی است.

۳) اسلام مروج، مبلغ و مؤکد اندیشه‌ورزی است: بررسی متون دینی بوضوح نشان میدهد که نظریه اسلام در مورد تفکر، همین فرضیه است، یعنی اسلام تفکر و اندیشه‌ورزی را سرلوحه کار خود قرار داده و در جاهای مختلف و بمناسبتهای متفاوت، مردم را به آن تشویق کرده و برای آن جایگاهی ویژه قائل شده است.

## گفتار اول: ضرورت اندیشه‌ورزی از دیدگاه اسلام

بمنظور طرح بحث لازم است ابتدا ضرورت و جایگاه اندیشه‌ورزی در دیدگاه اسلام تبیین گردد؛ در ادامه بطور جداگانه این مسئله را در قرآن و روایات اسلامی بررسی میکنیم.

### اندیشه‌ورزی در قرآن

بدون تردید میتوان گفت، هیچ کتاب آسمانی در دوره حیات بشری به اندازه قرآن حکیم انسان را تشویق و امر به تفکر و اندیشه در تمام حقایق عالم - اعم از آفاقی، انفسی و شرعی - نکرده است. قرآن کریم در جای جای آیات خود هم بصورت صریح و هم بصورت ضمنی بر تفکر تأکید کرده و همگان را به این امر مهم دعوت مینماید.

بعقیده برخی مفسران، خداوند متعال در قرآن کریم بیش از سیصد بار انسانها را به استفاده و بهره‌جستن از اندیشه دعوت کرده است. بعنوان نمونه میتوان به آیات زیر اشاره کرد:

الف) آیاتی که با عباراتی چون «أفلا تعقلون»، «أفلا تتفكرون» و «أفلا يتدبرون» در مقام توبیخ انسانهایی است که از نعمت اندیشه استفاده نمیکنند.

ب) آیاتی که بر تعقل در طبیعت پیرامونی و نظم حاکم بر آفرینش دلالت میکند و انسانها را به دقت نظر در مباحث توحیدی و تعمق در آنها دعوت مینماید.<sup>(۲)</sup>

ج) آیاتی که به تفکر در مورد احکام و آیات الهی توصیه میکند.<sup>(۳)</sup>

د) آیاتی که داستان اقوام مختلف و عذابهایی که بر اثر گناهان بر آنها نازل شده است را بیان نموده و درصدد پند دادن و عبرت آموختن به انسانهاست.<sup>(۴)</sup>

از مجموعه طبقه‌بندی مذکور اینگونه دریافت میشود که خرد و بارور نمودن آن از مفاهیمی است که بسیار در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است (فاتق، ۱۳۹۲: ۶۴).

### اندیشه‌ورزی در روایات

از دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام)، در وجود انسان هیچ موهبتی به اندازه موهبت عقل و نیروی فکر، ارزش حیاتی و انسانی ندارد. اهل بیت (ع) بعنوان نمایندگان پروردگار و شارحان قرآن کریم بتبع قرآن کریم، برای ترویج



بستری است که مربی یا والدین فراهم میکنند تا استعداد مرتبی یا کودک در همهٔ ساحات، اعم از اعتقادی، عقلانی، معرفتی، اخلاقی، احساسی، رفتاری و... - شکوفا گردد.

### گفتار سوم: تأکید اسلام بر تربیت فرزند

تأکید بر تربیت نه تنها در اسلام بلکه در ادیان مختلف مورد توجه است، زیرا تربیت از حیاتیترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن، او بسعادت مطلوب نایل می‌آید. حضرت سجاد(ع) دربارهٔ وظیفهٔ پدر نسبت به تربیت دینی فرزند میفرماید: «تو (پدر) نسبت به فرزند خود مسئول هستی که او را نیکو تربیت نمایی و او را بسوی پروردگارش رهنمون شوی».<sup>(۱۲)</sup>

همچنین، تربیت باید از همان ابتدای تولد بلکه از سالها قبل از تولد فرزند آغاز شود، به این معنا که هریک از والدین باید حتی قبل از ازدواج از اخلاق و رفتار خود مراقبت نمایند، چراکه برخی ویژگیهای والدین به فرزندان منتقل خواهد شد. از آنجا که دین اسلام کاملترین دین است و برای تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی انسانها برنامهٔ جامع دارد، بهترین تربیت، تربیتی است که برگرفته از تعالیم اسلام باشد.

### گفتار چهارم: ضرورت تربیت فکری

از آنجا که انسان دارای ابعاد و ساحت‌های مختلفی است، بتبع آن تربیت او نیز در ساحتها و ابعاد گوناگونی مطرح میگردد. یکی از ساحت‌های مهم انسان که باید مورد توجه متولیان تربیت قرار گیرد، ساحت فکری اوست، که به اصطلاح به آن تربیت فکری میگویند. بدین ترتیب از مطالب بیان شده میتوان نتایج زیر را بدست آورد:

۱) اسلام بر اندیشه‌ورزی و تربیت فکری انسانها تأکید دارد.

۲) اسلام تربیت فرزند و شروع آن از بدو تولد را ضروری می‌شمارد.

۳) هرچیزی بهاری دارد و بهار تربیت در سن کودکی است. بهترین و میسرترین زمان تربیت، سن کودکی است، چراکه انسان در سن کودکی همچون نهالی است که هنوز بطور عمیق در زمین ریشه نروپانده و قابل انعطاف و تغییرپذیر است، لکن در سن بزرگسالی همچون درخت

فرهنگ اندیشه‌ورزی در جامعه تلاش زیادی کرده و در طول حیات خود به این امر مهم توصیه و تشویق کرده‌اند و عاقبت نیک انسانها را به آن گره زده‌اند.

در باب تأکید بر اندیشه‌ورزی و جایگاه والای آن در دین اسلام روایات متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

امام صادق(ع): «امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) میفرمود: قلبت را با تفکر توجه بده و در نیمه شب از جایگاه و بسترت برخیز (به عبادت بپرداز) و تقوای الهی را پیشه کن».<sup>(۵)</sup>

امام علی(ع): تفکر کردن انسان را بسمت کار نیک و عمل به آن دعوت مینماید.<sup>(۶)</sup>

امام حسن عسکری(ع): عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه (حقیقت) عبادت، زیاد در کار خدا اندیشیدن است.<sup>(۷)</sup>

امام علی(ع): علم میراثی گرانبهاست و ادب لباسی فاخر و زینتی و فکر آیینی است صاف.<sup>(۸)</sup>

امام صادق(ع): برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر دربارهٔ خداوند و قدرت اوست.<sup>(۹)</sup>

امام صادق(ع): یک ساعت اندیشیدن در خیر و صلاح، از هزار سال عبادت بهتر است.<sup>(۱۰)</sup>

از مجموعه آیات و روایات بیان شده نتیجه گرفته میشود که متون دینی و مبانی اساسی مکتب اسلام بر تفکر و تعقل استوار است. همچنین، اساس دعوت نبوی، دعوت با روش اندیشه‌ورزی و تفکرمحور است؛ بدون تفکر در هدف نهایی خلقت و دین، نمیتوان اصول زندگی را استنباط نمود و طبق فرمایشها و دستوره‌های پیامبر(ص) در زمینهٔ تفکر، نداشتن تفکر موجب بدفهمی و کج فهمی شده و اسلام و دین و جامعه، کوچک و یک بعدی میشود که خطر بسیار بزرگی است.

### گفتار دوم: معنای تربیت

واژهٔ تربیت در لغت بمعنای پروراندن یا پرورش است، اما در اصطلاح علوم تربیتی، هرچند تعاریف زیادی دربارهٔ آن ارائه شده است؛ آن تعریفی که بنظر نگارنده متناسب با فطرت انسان و مطابق با تعالیم دینی است<sup>(۱۱)</sup>، عبارتست عبارتست از: «فراهم کردن زمینه‌های مساعد و رفع موانع برای بفعلیت رساندن و شکوفاشدن استعدادهای انسان در جهت مطلوب» (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۳۲). در واقع تربیت،

تنومد گشته و شاکل‌اش شکل گرفته است و اگر نگوییم تغییر و تربیت وی محال است، بیقین بسیار سخت و مشکل است. امیرالمؤمنین(ع) در اینباره میفرمایند: «تعلیم از سن کودکی مانده کندن نقش بر روی سنگ است و از اینرو ماندگار خواهد بود»<sup>(۱۳)</sup>.

بنابراین، چنانکه اسلام نیز به آن اهتمام دارد، تربیت فکری و اندیشه‌ورز کردن انسانها، ناگزیر، باید از سن کودکی آغاز شود و برنامه‌ریزیها و زمینه‌سازیهایی مناسب از کودکی فراهم گردد تا در بزرگسالی از مهارت اندیشه‌ورزی برخوردار باشند.

### بومی‌سازی «فلسفه و کودک» بر اساس ظرفیتهای موجود در فرهنگ اسلامی

برنامه آموزش «فلسفه و کودک» یا تفکر به کودکان، همانطور که از نامش پیداست، هدف اصلی خود را تقویت اندیشه‌ورزی و خردورزی در کودکان تعریف کرده است. مبنای این برنامه امکان تربیت و تأثیرپذیری عقل است که در اندیشه اسلامی نیز بر آن تأکید شده است و انسان از فرهنگ حاکم و محیط اثر میپذیرد؛ چه در جهان بینی و تبیین هستی و چه در ایدئولوژی و ارزشها.

ما در جامعه‌ی مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلامی زندگی میکنیم و اعتقادات دینی در جای‌جای زندگیمان متجلی است، پس ضروری است که برنامه «فلسفه و کودک» نیز متناسب با این بستر بازبینی شود. تجربه فلاسفه غربی نیز میتواند در این راه دست‌مایه‌ی باشد که بر اساس آن، برنامه‌ی مفید و راهگشا پی‌ریزی کنیم؛ البته بشرط رفع نواقص و کاستیهای آن، از جمله، اتکالی آن بر نظام آموزش و پرورش سنتی که فقط بر حفظ و تکرار معلومات شخص استوار است و به ذهن کودکان بعنوان مخزنی که مطالب را بطور ماشینی دریافت میکند، مینگرد و بندرت مهارتهای تفکر در کودکان را پرورش میدهد. این ویژگی همان قدر خطاست که تفریط «فلسفه و کودک» در باز گذاردن بحثهای کلاسی بگونه‌ی غلط است، چرا که به نسبت-گرایی منجر میشود. در این شیوه، نقش معلم بسیار کمرنگ شده، تا آنجا که در برابر پاسخهای گوناگون کودکان، منفعل است و هر نوع رأی و عقیده‌ی را میپذیرد و کودکان را در وادی کثرت‌گرایی و نسبت‌گرایی، بدون رسیدن به وحدت و اتفاق نظر، رها میکند.

در مقابل این مبانی غربی، ظرفیتهای زیادی در متون اسلامی و همچنین متون حکمی ما وجود دارد که میتوانند پشتوانه‌ی برای برنامه «فلسفه و کودک» با رویکرد اسلامی قرار گیرند. میان سنتهای فکری در جهان اسلام نیز شاید بتوان حکمت متعالیه را بعنوان اولین نامزد و سردمدار چنین ظرفیتی نام برد که میتواند پشتوانه «فلسفه و کودک» اسلامی واقع شود.

اکنون برای بنمایش گذاشتن چنین ظرفیتهایی در فرهنگ ایرانی - اسلامی خود، بتفصیل به برخی از مبانی موجود در فرهنگ اسلامی که میتوانند پشتوانه برنامه «فلسفه و کودک» محسوب شوند، اشاره میکنیم و سپس به تبیین برخی از ظرفیتهای روشی و محتوایی در این حوزه میپردازیم.

### مبانی اسلامی «فلسفه و کودک»

#### الف) مبانی الهیاتی

منظور از مبانی الهیاتی گزاره‌های نظری است که مربوط به اعتقادات دین اسلام است و از آنها بعنوان پشتوانه‌ی برای تربیت فکری کودکان استفاده خواهد شد. مبانی الهیات نیز همچون سایر مبانی، بصورت اصل موضوع در علوم تربیتی پذیرفته میشود و اثبات آن را باید در علم کلام یا فلسفه جستجو نمود، بنابراین در اینجا تنها درباره مفاد آنها توضیحی مختصر می‌آوریم.

#### ۱. توحید الهی

یگانگی خداوند بعنوان موجود کامل مطلق، شامل توحید در همه صفات کمالی خداوند میشود که دارای فروع مختلفی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). بر اساس این مبنا، برغم تأثیر عوامل انسانی و مقدمات دیگر در فرایند تعلیم و تربیت، مؤثر نهایی در تعلیم و تربیت نیز خداوند است. بدین ترتیب، هیچ موجودی بجز خدا، از هیچ لحاظی استقلال ندارد و سایر موجودات همه هستی و کمال وجود خود را همواره از خدا دریافت میکنند. با توجه به این نکته باید گفت یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تقویت اعتقاد به توحید افعالی است؛ به این معنا که مخاطبان واری نقش عوامل مستقیم و نزدیک، تأثیر خداوند بعنوان مؤثر نهایی را نیز درک کنند (همان: ۱۲۴).

## ۲. حکمت الهی

همهٔ افعال خداوند حکیمانه و معقول است و هر کاری را بنحو اکمل انجام می‌دهد. از این مبنا میتوان احسن بودن نظام هستی را بعنوان مبنایی دیگر استنتاج کرد. همچنین میتوان در مبانی انسان‌شناختی نتیجه گرفت که ظرفیتها و قابلیت‌های وجودی مختلف انسان، لغو و بیهوده نیستند و برای حصول انسان به هدفی حکیمانه در او بودیعه نهاده شده است (همان: ۱۵۰).

### ۳. هدایت (تکوینی و تشریحی)

هدایت تکوینی به این معناست که خداوند بمقتضای حکمت و بنا بر ربوبیت تکوینی خود و مطابق الگوی نظام احسن، شرایط تحقق و تغییر هر موجودی را بگونه‌ی تنظیم میکند که حصول بیشترین خیر و کمال هستی برای او میسر گردد، در نتیجه جهت حرکت عمومی پدیده‌های جهان در مجموع، رو به رشد، کمال و تعالی است. بر همین اساس میتوان لزوم تقویت حس امید و خوشبینی و نشاط نسبت به آینده را یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی دانست.

مقصود از هدایت تشریحی الهی که ناشی از هدایت تکوینی و حکمت آفرینش موجودات مختاری چون انسان است، اینست که خداوند موجودات مختار و از جمله انسان را علاوه بر هدایت عام تکوینی، با وسایل درونی (مانند عقل و سایر قوای ادراکی) و وسایل بیرونی (مانند ارسال پیامبران و فرستادن کتب آسمانی و وضع قانون و شریعت) به راهی که تنها با انتخاب و پیمودن اختیاری آن میتوانند به کمال خود نایل آیند، راهنمایی میکند. از این مبنا میتوان نتیجه گرفت که برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت اسلامی، پیروی از تعالیم و راهنمایی‌های دین حق لازم است و اصول و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی نه تنها نباید خارج از چارچوب قانون و شریعت الهی مطرح گردند، بلکه همهٔ این اصول و روشها باید در راستای تحقق و گسترش این قوانین باشند (همان: ۱۵۵-۱۵۶).

### مبانی هستی‌شناسی

منظور از مبانی هستی‌شناسی در تعلیم و تربیت، گزاره‌های نظری و کلی‌یی است که در مورد مسائل کلی موجودات هستی و ارتباط آنها با یکدیگر بحث مینماید.

مهمترین علمی که در این مسئله ورود پیدا کرده، فلسفهٔ اسلامی است که با نام الهیات بالمعنی الاصح یا مابعدالطبیعه نیز شناخته میشود.

### ۱. وجود تأثیر و تأثر در موجودات عالم (قانون علیت)

میان موجودات این جهان روابط خاصی برقرار است، از جمله اینکه موجودات بر یکدیگر تأثیر میگذارند. حرارت آب را تبخیر میکند، منبع نور فضای اطراف خود را روشن میکند، گیاهان، حیوانات و انسانها با استفاده از منابع آب و غذا به حیات خود ادامه میدهند و... این تأثیر گذاردن و تأثیر پذیرفتن، امری حقیقی است نه موهوم و باطل. بدون پذیرفتن این مبنا سخن گفتن از امکان تعلیم و تربیت و تأثیر حقیقی عوامل مختلف، از جمله اراده و اختیار فرد، عمل معلم و مربی و روشهای گوناگون در وصول به اهداف و نیز بحث از موانع تعلیم و تربیت، بیمعناست (همان: ۱۲۴).

### ۲. تقسیم موجودات به مادی و غیرمادی

موجودات عالم دو دسته‌اند، مادی و غیرمادی؛ موجودات مادی یا خود بطور مستقیم محسوس و قابل درک هستند یا بواسطهٔ ابزارهای حسی قابل درک خواهند بود. اما موجودات غیرمادی با هیچ یک از حواس ظاهری و ابزارهای حسی قابل درک نمیباشند بلکه از آثار آنها و بر اساس ادلهٔ عقلی و نقلی، میتوان بوجود آنها پی برد (همان: ۱۳۰).

با توجه به این مبنا، مربیان در عرصهٔ تعلیم و تربیت باید در اصول، روشها و راهکارهای تربیتی، علاوه بر عوامل مادی به عوامل ماورایی و عالم غیرمادی نیز توجه داشته باشند.

### ۳. تدریجی بودن عالم ماده و موجودات مادی

هر موجود مادی‌یی دارای زمان است و بخشهای فرضی وجودش بتدریج موجود و معدوم میشوند.<sup>(۱۴)</sup> همچنین برخی از موجوداتی که ویژگی فرامادی دارند، در انجام دادن کارهای خود نیازمند موجودی مادی هستند و از طریق ارتباط با آن موجود مادی افعال خود را انجام میدهند. برای مثال، نفس انسان فرامادی است، اما برای دیدن، شنیدن، فکر کردن، تصمیم‌گرفتن حرکت دادن اجسام و دیگر افعال خود نیازمند بدن است، بنابراین بتبع تغییر بدن، نفس انسانی نیز بتدریج تغییر میکند (همان: ۱۳۲).

با توجه به این مبنا، لازم است برنامه‌ریزیها و راهکارهای تربیتی بصورت مرحله بمرحله تعریف گردد و گرنه آن نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

#### ۴. وجود تراحم در عالم ماده

هر موجودی فضای مختص به خود را اشغال میکند و اشیاء مادی با یکدیگر در تراحمند؛ این تراحم در دامن افعال انسان نیز وجود دارد؛ برای مثال، در یک زمان مشخص نمیتوانیم همه اشیاء پیرامون خود را ببینیم، یا هم در تهران باشیم و در شهر دیگر یا هم به کسب مهارت شنا بپردازیم و هم به رانندگی (همان: ۱۳۳).

بر اساس این مبنا باید بپذیریم که در تعلیم و تربیت با تراحمهایی روبرو خواهیم بود؛ این تراحمها در رشد و شکوفایی ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت نیز وجود خواهند داشت. در نتیجه باید به این تراحمها توجه کرد و با برنامه‌ریزی صحیح، پیشگیری و اولویت‌بندی نمود.

#### مبانی انسان‌شناسی

منظور از مبانی انسان‌شناسی، آن دسته از گزاره‌های نظری است که از ویژگیهای ذاتی و عرضی انسان، چه در بعد روحانی و چه در بعد جسمانی، پرده‌برداری میکند و به توضیح و بیان آنها میپردازد.

#### ۱) ترکیب انسان از دو بُعد جسم و روح

انسان موجودی مرکب از روح و بدن است. وجود روح از منظر آیات و روایات نیز امری مسلم و تردیدناپذیر است؛ چنانکه در قرآن کریم میخوانیم: «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین؛ پس چون او را استوار ساختم و در او از روح خود دمیدم، بر او سجده نمایند» (حجر / ۲۹). با توجه به این مبنا، در تبیین اهداف، اصول، ساحتها، عوامل، موانع و روشهای تعلیم و تربیت، باید هر دو بُعد وجود انسان (جسم و روح) را در نظر گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

#### ۲) اصالت داشتن روح

بخش اصیل انسان روح اوست. بسیاری از ادله‌ی که وجود روح و غیرمادی آن را اثبات میکنند این حقیقت را نیز آشکار میسازند که آنچه فعالیت‌های ذهنی خوانده میشود، از روح آدمی سرچشمه میگیرد و بدن مادی در این عرصه ابزاری بیش نیست. بر اساس این مبنا، هدف اصلی تعلیم و تربیت

اسلامی باید پرورش و استکمال روح باشد و پرورش بدن وسیله‌ی برای تکامل روح قلمداد گردد. همچنین هنگامیکه میان خواسته روحی و بدنی تراحمی پدید آید، باید پرورش روح را دارای اولویت دانست (همان: ۱۶۷).

#### ۳) فطرت انسان کمالخواه است

هر انسانی بصورت فطری خود را دوست دارد و همه اعمال او بر اساس حب ذات است، حتی کسانی که دست به خودکشی میزنند نیز از این گرایش فطری بی‌بهره نیستند، زیرا از روی محبتی که به ذات خود دارند ادامه بقا را نمیپسندند.

از آنجا که انسان دارای حب ذات است و خود را دوست دارد، کمالات خود را نیز دوست میدارد و خواهان دستیابی به آنهاست؛ هرچند در تشخیص مصادیق کمال با یکدیگر اختلاف دارند و حتی ممکن است ضد کمال را کمال بیندارند (همان: ۱۷۶-۱۷۵).

بر اساس این مبنا یک مربی خیلی نیاز نیست اصل کمالخواهی را در کودک نهادینه کند بلکه فقط کافی است او را هدایت نماید و بسمت کمالهای واقعی راهنمایی کند. بقول یکی از متخصصین عرصه تربیت،

بر این اساس وظیفه والدین در امر تربیت تنها اینست که زمینه شکوفا شدن این فطریات را مهیا سازند. فرزند خودش در بُعد الهی و انسانی سرمایه دارد؛ از اینرو نیازی به سرمایه‌گذاری والدین ندارد. تنها کاری که والدین باید انجام بدهند آنست که وقتی او دنیا آمد، خرابکاری نکرده و با رفتار و گفتار خود فطرت الهی را از بین نبرند (تهرانی، ۱۳۹۵: ۳۵).

#### ۴) تأثیر ظاهر بر باطن

منظور از ظاهر، همه امور مشهودی است که از انسان سر میزند و مظهر آن بدن است و مراد از باطن شئونی است که قابل مشاهده نیست، همچون فکر و نیت. مقصود از این ویژگی آنست که ظاهر انسان، دست‌اندرکار نقشزنی بر باطن اوست. بسیاری از حالات باطنی سایه‌اند و صاحب سایه، دست و پا و حرکت و نگاه و صوت و سخن است. از اینرو هرگاه نقشی بر پیکر انسان نمودار شود، شبحی بیرنگ در باطن خواهد افکند. شگفتتر اینکه اگر این نقش با تکلف و تصنع بخود بسته شود، باز هم طنین درونی



کرامت است. مربی باید در رفتارش این مبنای مهم اسلامی را در نظر داشته باشد و رفتارهایی از خود نشان ندهد که با کرامت انسانی کودک منافات داشته باشد و به آن ضربه بزند.

### مبانی معرفت‌شناسی

معرفت‌شناختی بطور مطلق دانشی است که دربارهٔ تعریف شناخت، امکان شناخت، انواع شناخت، راه‌ها و ابزارهای کسب شناخت، معیار صدق، معیار توجیه و اعتبار انواع شناخت بحث میکند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۸۸).

#### ۱. امکان و وقوع شناخت مطلق

چنانچه معرفتی همواره و بدون استثنا، معتبر باشد معرفت مطلق نامیده میشود. نسبی‌گرایان<sup>(۱۵)</sup> معتقدند همهٔ معرفت‌های ما تنها نسبت به فرد یا جامعه‌ی خاص یا شرایط عینی خاص، مانند زمان یا مکان خاص، معتبرند، نه نسبت به همه و در همهٔ شرایط؛ بنابراین معرفت مطلق، وجود ندارد. نوع نسبیت‌گرایی در واقع به نوعی شک‌گرایی منجر میشود. برخلاف این عقیده، بر اساس مبانی اسلامی (که در جای خود باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد)، اصل وجود معرفت مطلق قابل انکار نیست، یعنی ما معرفت‌هایی داریم که مستقل از نحوهٔ ادراک ما و نیز مستقل از شرایط عینی خاص، همواره اعتبار دارند (همان: ۹۲-۹۰).

با توجه به این مبنا میتوان ادعا کرد که امکان استخراج مبانی، اصول و روش‌هایی مطلق، در حوزهٔ تعلیم و تربیت وجود دارد و مطابق با واقع است. همچنین در برنامهٔ «فلسفه و کودک» باید کودکان را بسمت حقیقت (واحد و مطلق) رهنمون کنیم و نباید وانمود کرد که هرکس به هر نتیجه‌ی که دست یافت، صحیح است، بلکه مربی باید کودکان را بسمت معرفت مطلق راهنمایی کند نه بسمت نسبیت‌گرایی و شک‌گرایی.

#### ۲. امکان و وقوع شناخت یقینی

اگرچه بطور مطلق نمیتوان ادعا کرد که همهٔ معرفت‌های بشر یقینی است، اما بنا بر ادلهٔ معرفت‌شناسی اسلامی، امکان و وقوع معرفت یقینی وجود دارد. بهر حال، ادعای سفسطه یا شکاکیت مطلق قابل قبول نیست، زیرا حتی مدعیان شک مطلق نیز نمیتوانند در وجود خود و در شکی که دارند، شک کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱/

خواهد داشت و «تباکی» به بار «بکاء» مینشینند و «تحلم» به بار «حلم». تباکی «نقش‌گریه» بازی کردن است و تحلم «نقش بردباری» بازی کردن و این دو بازی، گاه جدی میشود (باقری، ۱۳۸۰: ۶۶). امام علی(ع) در اینباره میفرماید: «اگر بردبار نیستی، خود را بردبار جلوه ده، چه اندک پیش می‌آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنان نشود» (نهج‌البلاغه: حکمت ۲۰۷). بر این اساس میتوانیم با استفاده از روش تلقین ظاهری، ویژگی‌هایی را در درون باطن کودک نهادینه کنیم.

#### ۵) اختلاف در استعدادها، ویژگیها و وسعها

اگرچه آدمیان در گوهر وجود هم‌اندیشه‌اند اما وسعتها و امکانات درونی و بیرونی بطور مساوی تقسیم نشده است؛ البته این وسعتها، نه نشانهٔ کرامتند نه زایندهٔ کرامت، چنانکه ضیقها نیز نه نشانهٔ اهانتند و نه زایندهٔ آن، بهر روی، آدمیان در این ویژگی مشترکند که هیچ یک چون دیگری نیست و هرکس در پایه و جایگاه معینی قرار گرفته و از ویژگی‌های درونی و بیرونی خاصی برخوردار است.

این مبنا، نقش مستقیمی در برنامه‌ریزی‌های تربیتی دارد و این را گوشزد میکند که نباید برای همهٔ انسانها با استعدادهای گوناگون و وسعهای متفاوت، به یک نحو برنامه‌ریزی کرد و با یک روش واحد آنها را تربیت نمود، بلکه برنامه‌ریزیها و روشهای تربیتی باید از انعطاف لازم برخوردار باشند.

#### ۶) کرامت داشتن انسان

کرامت، بزرگواری است و بزرگواری حاصل بهره‌وری معین یک موجود است، بی‌آنکه پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود؛ اگر مقایسه در میان آید آن را فضیلت گویند نه کرامت. خداوند آدمی را از بهره‌های دورنی ویژه‌ی چون عقل برخوردار ساخته و بسبب این بهره‌ها، کریم و بزرگواری داشته است. این کرامت به اصل انسان بودن باز میگردد و اختصاص به دسته معینی از آدمیان ندارد؛ «لقد کرما بنی آدم...»؛ برآستی فرزندان آدم را بزرگ داشتیم...» (اسراء/ ۷۰). در نتیجه باید توجه داشت که کودک اگرچه کودک است اما بعنوان یک انسان، صاحب

۱۶۳-۱۶۲). امکان و وجود شناخت یقینی علاوه بر آنکه بلحاظ عقلی مورد قبول فیلسوفان و معرفت‌شناسان مسلمان است، مورد تأیید متون اسلامی نیز هست؛ قرآن کریم در موارد متعدد انسانها را بتحصیل یقین فراخوانده است: «... لعلکم بقاء ربکم توقنون؛ باشد که به ملاقات پروردگارتان یقین پیدا کنید» (رعد/۲).

بدون پذیرفتن این مبنا امید دستیابی به مبانی یقینی و خدشه‌ناپذیر در هیچ مقوله‌یی، از جمله در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی وجود ندارد. وجود این مبنا، در آموزش «فلسفه و کودک» این نکته را برای مربی روشن میکند که چون امکان یقین در معرفت وجود دارد، باید بصورت تدریجی و با برنامه‌ریزیهای لازم، کودک را بسمت اندیشه‌های یقینی و خطاناپذیر راهنمایی کند.

### ۳. مبناگرایی در توجیه معرفت حصولی

بنا بر معرفت‌شناسی اسلامی، تمام معرفتهای ما باید به معرفتهای بنیادین و اولیه ختم گردد تا معتبر و قابل اعتماد باشد. در معرفت‌شناسی اسلامی ریشه همه معرفتها را بدیهیات میدانند که قوام همه معرفتهای بشر بر آن استوار گردیده است؛ بنابراین گزاره‌هایی بدیهی، مبناي همه گزاره‌های معتبر و موجه هستند. در مقابل، انسجام-گرایان، با دیدگاه مبناگرایان مخالفند و بجای تکیه بر معرفتهای مبنا، معیار اعتبار و توجیه یک گزاره را سازگاری آن با دیگر گزاره‌های پذیرفته شده میدانند. این دیدگاه مخدوش و غیر قابل قبول است و حتی از اثبات اعتبار خود و ابطال دیدگاه رقیب، ناتوان است، زیرا اثبات یا رد یک نظریه مبتنی بر پذیرفتن اعتبار برخی معرفتهای مبنايي، از جمله اعتبار شیوه استدلال است (همو، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۰۸).

بدون این مبنا، اتخاذ روشها، مبانی، اصول و راهکارها در تعلیم و تربیت امکانپذیر نیست، زیرا ما بر پایه مبانی، سایر مؤلفه‌های تعلیم و تربیت را استنتاج میکنیم و برخی مبانی، مبانی دیگرند و منطقاً بر آنها مقدم هستند. پس مربی باید در آموزش اندیشه‌ورزی به کودک او را بسمت مبناگرایی هدایت کند تا کودک بتواند با تمرین و کوشش، مؤلفه‌ها و محتوای اندیشه خود را بر مبانی اصلی استوار کند.

### روشهای قرآنی برای به تفکر واداشتن افراد

یکی دیگر از ظرفیتهای خوبی که در متون اسلامی ما

وجود دارد روشهای قرآن برای به اندیشه واداشتن افراد است، که از این قرارند:

### خوب دیدن

هیچ آیینی، چه زمینی و چه آسمانی، همچون اسلام پیروانش را مُصرانه به «خواندن»، «دیدن»، «شنیدن» و «سیر و سفر کاوشگرانه در زمین» فراخوانده است. چنین است که در این مکتب «تفکر» نه تنها «عبادت»، که ساعتی اندیشیدن برتر از یک سال عبادت معرفی شده است (کبیر شیرازی، ۱۴۰۹: ۳۷۰/۳).

از آنجا که داده‌های عینی و حسی قابلیت درک بیشتری برای همه گروه‌های سنی دارد، در قرآن کریم بمنظور درک بهتر پدیده‌ها دعوت به استفاده بیشتر از حواس شده است. از اینرو قرآن به خوب دیدن سفارش بسیار میکند: «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمیبینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده میکنی؟ بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن...».

در این آیات، خداوند متعال با توجه دادن مخاطب بوسیله خوب دیدن و دوباره دیدن، او را به پدیده‌های شگفت‌آور آفرینش توجه داده و یادآور میشود که عیب و نقصی در جهان نمیتوان یافت.

### خوب شنیدن

خدا در قرآن میفرماید: «... همان کسی است که سخنان را میشوند و از نیکوترین آنها پیروی میکنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند» (زمر/۱۸).

### تکرار برخی سؤالات یا جملات

تکرار هدفمند سؤال یا عبارت نیز از جمله روشهایی است که برای فعال نگهداشتن تفکر و آموزش تفکر در قرآن به آن توجه خاص شده است؛ برای مثال تکرار آیه «فبای الا ربکما تکذبان» در سوره مبارکه الرحمن. موارد دیگری چون طرح مستقیم سؤال، زیر سؤال بردن نوع نگاه به موضوع و نتیجه‌گیریهای غلط، تأکید بر آموزش فرزند در کودکی و نوجوانی، سفر و سیاحت و مطالعه در آثار گذشتگان و... از



جمله روشهایی است که قرآن در آموزش و پرورش تفکر به آن اهتمام و تأکید دارد (امامی، ۱۳۹۲: ۷۳).

### محتوای فلسفه و کودک، متناسب با فرهنگ اسلامی

علاوه بر اینکه فرهنگ اسلامی ظرفیتهای زیادی در حوزه مبانی، اصول و روشها، برای بومی سازی «فلسفه و کودک» دارد، در حوزه محتوا نیز غنی است؛ بعنوان نمونه در باب محتوای آموزشی متناسب با فرهنگ اسلامی، منابع زیر پیشنهاد میگردد: *داستانهای قرآن، داستانهای زندگی اهل بیت و پیامبران علیهم السلام، داستان راستان شهید مطهری، کلیله و دمنه، بوستان سعدی، حکایات مولوی در مثنوی، داستانهای فردوسی در شاهنامه، داستان سلمان و ابراهیم، داستان حیی بن یقظان و...* به امید آنکه با تکیه بر منابع غنی اسلامی و با بهره گیری از سرمایه های فرهنگی و مستندات تاریخی خود و با همفکری متخصصان و صاحب نظران و نیز با الهام گرفتن از الگوی ارائه شده توسط نظریه پردازان غربی، بتوان به تدوین بسته یی آموزشی که متناسب با فرهنگ حاکم بر جامعه ما باشد، دست یافت.

### جمع بندی و نتیجه گیری

هرچند «فلسفه و کودک» بصورت مدون در حدود پنجاه سال پیش، آنهم در غرب مطرح شده است، براساس جایگاه و اهمیت تربیت در متون دینی، جایگاه اندیشه ورزی در متون دینی، بیان مبانی اسلامی در آموزش تفکر به کودک و ...، فهمیده میشود که مسئله تربیت فرزند مورد اهتمام شدید دین اسلام است و اندیشمند و متفکر شدن انسانهایی از اهداف مهم تربیت اسلامی است برای این مطلوب، بویژه تربیت فکری انسان، لازم است تربیت از سن کودکی آغاز شود و شرایط رشد فکری و اندیشه ورزی او فراهم گردد، تا در بزرگسالی بتواند اهل اندیشه و تفکر باشد.

### پی نوشتها

۱. ر.ک: مدخل درباره «فلسفه برای کودک» در دائرة المعارف استنفورد؛ plato.stanford.edu/entries/children
۲. «ان فی خلق السموات والارض و اختلاف الليل و النهار لآیات لاولی الالباب» (آل عمران / ۱۹۰).



۳. «كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون» (بقره / ۲۱۹).
  ۴. «قل سيروا في الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين» (انعام / ۱۱).
  ۵. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ نَبْهَ بِالْتَّفَكُّرِ فَلْيَنْكُ وَ جَافٍ عَنِ اللَّيْلِ جُنْبُكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ رَبُّكَ» (كليني، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۴).
  ۶. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ اسْلَام: إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَ الْعَمَلِ بِهِ» (همان: ۵۵).
  ۷. «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَ الصَّلَاةِ وَ أَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ» (ابن شعبه حراني، ۱۴۰۴: ۴۴۲).
  ۸. «الْعِلْمُ وَرِثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَ الْإِدَابُ خُلُقٌ مُجَدِّدَةٌ، وَ الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ» (نهج البلاغه: ۴۶۹).
  ۹. «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ» (كليني، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۵).
  ۱۰. «فِكْرَةٌ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ» (مصباح الشريعة: ۱۱۴).
  ۱۱. پیامبر اکرم(ص): «وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ إِنَّمَا أَبْوَاهُ يَهُودَانِيَةً وَ نَصْرَانِيَةً وَ يُمَجَّسَانِيَةً» (موحد قمی، ۱۴۰۷: ۳۳۲).
- توضیح: همانطور که در این حدیث بیان شده است، هرکسی بر فطرت پاک و خداجو آفریده میشود و قوه و زمینهای اولیه رشد و کمال را بصورت فطری دارد، فقط باید این قوه ها شکوفا گردد که نیاز به محیط و زمینه مساعد دارد.
۱۲. «وَإِنَّكَ مُسْتَوِلٌّ عَمَّا وَلِيَّتُهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۲۱).
  ۱۳. «العلم في الصغر كالنقش في الحجر» (کراچکی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۱۹).
  ۱۴. این مبنا در فلسفه اسلامی ذیل بحث حرکت جوهری اثبات میگردد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹: ۱۱ / «مبحث حرکت»).
  ۱۵. برای مباحث معرفت شناسی به کتب محمد حسین زاده، از جمله کتاب معرفت شناسی ایشان، رجوع شود.

### منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق) قم: هجرت.
- مصباح الشريعة (۱۴۰۰ق) بیروت: اعلمی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق) تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- امامی، مرضیه (۱۳۹۲) «نقش تفکر در رشد شخصیت کودک» فصلنامه فلسفه و کودک، شماره ۲، ص ۸۶-۷۱.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
- تهرانی، آقا مجتبی (۱۳۹۵) ادب الهی (تربیت فرزند)، تهران: مصابیح الانس.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰) مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- فائق، مجتبی (۱۳۹۲) «آئین خردورزی فرزندان از دیدگاه قرآن و روایات معصومین (ع)، فصلنامه فلسفه و کودک، شماره ۳، ص ۷۶-۶۳.

کبیر شیرازی، سیدعلی خان (۱۴۰۹ق) *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کراجکی، محمدبن علی (۱۴۱۰ق) *کنز الفوائد*، قم: دار الذخائر.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۹) *تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰) *آموزش فلسفه*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

----- (۱۳۹۱) *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹) *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

موحد قمی، احمد (۱۴۰۷ق) *عدة الداعی و نجاح الساعی*، قم: دارالکتب الاسلامی.

«فلسفه برای کودک» در *دائرة المعارف استنفورد*؛

[plato.stanford.edu/entries/children](http://plato.stanford.edu/entries/children)